



گفت‌و گوی «جوان» با ارسلان محمدی کار شناس اقتصادی

تحقق عدالت و شفافیت مالیاتی باحسابرسی سیستمی و حذف ممیز محوری

یک کارشناس اقتصادی معتقد است، در بخش مۇدیان حقیقی کلان تنها ۲۰درصد از کل مۇدیان کلان مالیاتی در سال جاری، به صورت دستی حسابرسی شدند که در مقایسه با سال گذشته شاهد کاهش بیش از ۶۷درصدی حسابرسی دستی و غیر سیستمی مالیات بر عملکرد بودیم که کمک بزرگی به تحقق عدالت و شفافیت مالیاتی خواهد کرد.

■ ■ ■

ارسلان محمدی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» در رابطه با اهمیت تحقق حسابرسی سیستمی گفت: طی سال‌های اخیر سیستمی شدن نظام مالیاتی کشور و حرکت آن به سمت هوشمندسازی در دستور کار قرار گرفته است. اقدامات خوبی در این راستا انجام شده و شاهد پیشرفت‌های قابل توجهی در این زمینه هستیم. کارشناسان مزیت‌های زیادی را برای فاصله گرفتن از روندهای دستی در امور مالیاتی کشور متصور هستند.

محمدی در ادامه با اشاره به اثرات مثبت حسابرسی سیستمی و هوشمند در راستای پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد برای مۇدیان قانون مدار و بهبود محیط کسب‌وکار خاطر نشان کرد: حسابرسی سیستمی و هوشمند علاوه بر پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد برای مۇدیان قانون‌مدار، با کاهش مراجعات به ادارات مالیاتی و همچنین اخذ هوشمند مالیات، سبب بهبود محیط کسب‌وکار می‌شود. حسابرسی سیستمی موجب کاهش خطای انسانی در محاسبه مالیات، افزایش دقت در بررسی اظهارنامه و همچنین عدم سلیقه‌گرایی خواهد شد. در نهایت، روندهای مالیاتی کشور، مبتنی بر داده‌محوری و تطبیق اطلاعات فروش و سود هر فرد طبق ماده ۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم انجام می‌شود و تحقق عدالت در مالیات‌ستانی را رقم خواهد زد.

این کارشناس اقتصادی افزود: تمامی مزیت‌های اشاره شده، در نتیجه هوشمندسازی نظام مالیاتی کشور رخ می‌دهد. در نتیجه سیستمی شدن امور مالیاتی کشور، زمینه برای ایجاد عدالت مالیاتی فراهم می‌شود که این امر در افزایش اعتماد مۇدیان به نظام مالیات کشور مؤثر است.

وی در ادامه گفت: وقتی مۇدیان مشاهده می‌کنند که دریافت مالیات از آنها بر اساس داده‌های مستند صورت می‌گیرد، با رضایت بیشتری نسبت به پرداخت مالیات اقدام می‌کنند. در روندهای دستی و قدیمی، نظر ممیزان مالیاتی در تعیین میزان مالیات مؤثر بود. به این ترتیب، احتمال بروز خطای انسانی و بی‌عدالتی در نظام مالیاتی کشور وجود داشت.

محمدی در رابطه با آمار و ارقام مربوط به مالیات بر عملکرد سال ۱۴۰۲ که در سال جاری و شهریورماه اخذ شد، اظهار کرد: در سال جاری گام‌های مهمی به سمت کاهش ورود مأموران مالیاتی به پرونده‌های مالیات مۇدیان برداشته شده است که مهم‌ترین آنها در بخش مالیات بر ارزش افزوده و همچنین مالیات بر عملکرد و درآمد مستغلات اجاری بوده است.

این کارشناس اقتصادی در ادامه با اشاره به حذف ممیزمحوری و جایگزینی داده‌محوری در در بخش مربوط به مالیات بر ارزش افزوده در سامانه مۇدیان و هم در بخش مالیات عملکرد مۇدیان حقیقی و حقوقی اظهار کرد: هم در بخش مربوط به مالیات بر ارزش افزوده در سامانه مۇدیان و هم در بخش مالیات عملکرد مملکت مۇدیان حقیقی و حقوقی شاهد حذف ممیزمحوری و جایگزینی داده‌محوری هستیم که به پشتوانه اجرای مواد ۱۶۹ و ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم به این حجم مناسب از داده‌های فروش و احتساب سود مۇدیان و اخذ مالیات بر عملکرد از آنان رسیدیم که این رویکرد راهبردی زمینه اخذ مالیات عادلانه را فراهم کرده است.

محمدی در پایان گفت: در بخش مۇدیان و اشخاص حقیقی با کاهش بیش از ۶۷درصدی حسابرسی دستی و غیر سیستمی مالیات بر عملکرد، تنها ۲۰درصد از کل مۇدیان کلان مالیاتی در سال جاری، اظهارنامه مالیاتی ابرازی‌شان با اظهارنامه پیش‌فرض خروجی داده‌محوری تفاوت داشته و نیاز به مراجعه به ادارات مالیاتی را داشتند این در حالی است که سال گذشته این میزان معادل ۵۰درصد از کل مۇدیان کلان مالیاتی بخش حقیقی بوده است که کاهشی چشمگیر در تحقق حسابرسی سیستمی در این بخش داشتیم که کمک بزرگی به تحقق عدالت و شفافیت مالیاتی خواهد کرد.

تحلیل
امیرمحمد اسماعیلی*

در روابط بین‌الملل، مفهوم مشارکت تعریف صریح و واحدی ندارد. در واقع، مشارکت «بر ساخته باز یگران» یا «آن چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند.» در این میان چین، تنها باز یگر بین‌المللی نیست که از دیپلماسی مشارکت به عنوان ابزار پیشبرد منافع ملی بهره گرفته است. اما آنچه رویکرد پکن را در بهره‌گیری از مشارکت متمایز می‌کند، در این نکته نهفته که شبکه مشارکت در مرکز راهبرد سیاست خارجی چین قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، کشورهای محدود دیگری را می‌توان یافت که بر مفهوم مشارکت به اندازه چین متمرکز شده باشند. از این طری ق، پکن به دنبال «دموکراتیزه کردن نظم بین‌المللی» به منظور ساخت «جامعه انسانی با سرنوشت مشترک» است.

■ ■ ■

مروری کوتاه بر تاریخ معاصر سیاست خار جی چین نشان می‌دهد، از سال ۱۹۴۹ تاکنون، چین از «انکا بر یکسو» به سیاست «خط مشترک» و در نهایت به «مشارکت بدون اتحاد» تغییر ریل داده است. در طول جنگ سرد، به جز دو برهه ۱۰ساله (۱۹۶۰- ۱۹۵۰ و ۱۹۸۲- ۱۹۷۲) که چین به ترتیب اتحاد رسمی با اتحاد جماهیر شوروی و یک شبه اتحاد با ایالات متحده داشته، راهبرد متعهد نبودن، وجه غالب سیاست خارجی این کشور بوده، به گونه‌ای که می‌توان پکن را به عنوان یک «قدرت تنها» بدون دوستان نزدیک و بدون متحد توصیف کرد.

■ تحول دیپلماسی مشارکت از اصلاحات تا نخبگان نسل پنجم

راهبرد متعهد نبودن چین از دوازدهمین کنگره حزب در سال ۱۹۸۲ شکل رسمی به خود گرفت. زمانی که دنگ شیائوپینگ «پیشرد سیاست خارجی مسالمت آمیز، مستقل و متکی به خود» اعلام داشت. این راهبرد پیامد طبیعی جهت‌گیری منعطفانه و اصلاحی چین در اواخر دهه ۸۰قرن بیستم بود که با روی کار آمدن دنگ و اتحاد سیاست درهای باز و اصلاحات اقتصادی مورد اجماع نخبگانی چین قرار گرفت. البته در عمل بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی بود که سیاست مشارکت، سرعت دوچندانی به خود گرفت. بر همین اساس، در سال ۱۹۹۲، در خلال چهاردهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، پکن راهبرد دیپلماتیکی را اعلام کرد که ریشه در مفاهیمی همچون «استقلال»، «متعهد نبودن» و «نفی هژمونی» داشت. اولویت این راهبرد ایجاد می‌کرد تا حزب کمونیست بر گسترش روابط دوستانه با کشورهای جهان سوم و نقش برجسته‌تر شورای امنیت سازمان ملل تأکید داشته باشد. در نتیجه، در سال ۱۹۹۳ مشارکت راهبردی با برزیل به امضا رسید و عملاً دیپلماسی مشارکتی پکن متولد شد.

با ورود نخبگان نسل پنجم چین به قدرت، سیاست متعهد نبودن حفظ شد و بیش از پیش تکامل یافت. در خلال کنفرانس مرکزی امور خارجه در سال ۲۰۱۴، شی جین پینگ که به تازگی سکان هدایت حزب کمونیست را به دست گرفته بود، اعلام داشت، در سال‌های آینده، چین باید «دوستان بیشتری بیابد و شبکه جهانی مشارکت را شکل دهد». در نگاه او پکن باید «رویکرد دیپلماتیک متمایز و شایسته نقش خود به عنوان یک قدرت بزرگ را توسعه بخشد». ایجاد و تکامل تعاملات

مشارکتی با قدرت‌های بزرگ و همچنین کشورهای در حال توسعه تأثیرگذار، در این رویکرد نقش اساسی ایفا می‌کند. این خط مشی امروز به عنوان «مشارکت بدون اتحاد» خلاصه می‌شود. به گفته وزیر امور خارجه چین، وانگ یی، «ایجاد مشارکت یکی از ویژگی‌های متمایز دیپلماسی چین است. پس از پایان جنگ سرد که با رویارویی اتحاد ملت‌ها همراه بود، ما به موقع از تجربیات و درس‌های تاریخ بهره‌گرفتیم و موفق شدیم رویکرد جدیدی را برای ایجاد شرکا به جای متحدان ایجاد کنیم».

■ گستره شبکه شرکای منطقه‌ای و جهانی در میان ۱۸۲کشوری که با چین روابط دیپلماتیک برقرار کرده‌اند، ۱۱۳ کشور از پنج قاره جهان، روابط خود را بر پایه مشارکت شکل داده‌اند. شرکای چین طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای توسعه یافته غربی را در بر می‌گیرند. علاوه بر این، چین اشکال مختلفی از مشارکت را با بیش از ۱۰ منطقه و سازمان منطقه‌ای ایجاد کرده است. ایجاد انواع مختلفی از مشارکت‌ها به وسیله چین را نمی‌توان صرفاً بر اساس رویه‌های موجود بین‌المللی تحلیل کرد، بلکه ویژگی‌های اندیشه سیاسی چینی در نوع مشارکت‌ها نیز باید لحاظ شوند. با ۴۲ ترکیب مختلف از مشارکت، آشکار است، چین زبان دیپلماتیک خود را متناسب با روابط خاص با هر کشور تنظیم کرده و توسعه می‌بخشد. علاوه بر ویژگی‌های سطح اول مانند «راهبردی»، «همکاری» و «دوستانه»، این مشارکت‌ها می‌توانند با ویژگی‌های سطح میانی مانند «جامع»، «همه‌جانبه»، «برای همه فصول»، «تسوع جدید» و «نوآورانه» نیز توصیف شوند.

این دسته‌بندی‌ها، روابط دوجانبه را به شکلی دقیق‌تر و جزئی‌تر مشخص می‌کنند و نشان‌دهنده ویژگی منحصر بفرد مشارکت‌های است که به‌صورتی «خاص» برای شرکای مختلف تعریف شده‌اند. اگر مشارکت‌های چین را فهرست کنیم، می‌توان آنها را به‌طور کلی به پنج دسته تقسیم کرد: مشارکت‌های کلی، مشارکت‌هایی که با واژه‌های «جامع» یا «همه‌جانبه» آغاز می‌شوند. مشارکت‌های راهبردی کلی، مشارکت‌های راهبردی که با «جامع»، «جهانی» یا «همه‌جانبه» آغاز می‌شوند. مشارکت‌های راهبردی که با «برای همه فصول» و «دائمی» آغاز می‌شوند.

در سال‌های اخیر، دو عبارت دیگر نیز به دسته‌بندی مشارکت‌ها افزوده شده‌اند که به سطوح مختلف مشارکت‌های «راهبردی» و «جامع» طرافت بیشتری می‌بخشند. این دو مفهوم عبارت‌ند از «جامعه انسانی بر سرنوشت مشترک» و «عصر جدید». در حالی که مفهوم اول به صورت عام‌تر به دنبال تعریف منافع همسو گسترده در جامعه بین‌المللی است، شرکای عصر جدید، کشورهایی را شامل می‌شود که تمایل بیشتری به مواجهه با نظام هژمونیک و گذار به چندجانبه‌گرایی پساقطبی دارند.

■ ویژگی‌های دیپلماسی مشارکتی چین پنج ویژگی مهم برای دیپلماسی مشارکتی چین قابل شناسایی است. نخست، مشارکت‌ها با سطح بالایی از «انعطاف‌پذیری» متمایز می‌شوند. به عبارتی، این روابط فاقد تعهدات الزام‌آور رسمی هستند که در آنها ۵/۵ درصد پیشتر از میانگین سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۱۷ بوده است. این افزایش ناچیز در حالی است که واردات گاز روسیه در همین بازه ۳۷درصد کاهش یافته است، واقعیتی که اثبات می‌کند اروپایی‌ها در چند سال گذشته به کاهش بی‌سابقه مصرف گاز روی آورده‌اند. مستند به این گزارش بخشی از انرژی از دست رفته اروپا از طریق منابع تجدیدپذیر جبران شده است و بخش مهم‌تر آن نیز به واسطه اتخاذ سیاست‌های صوم فایند و به عنوان مختلف مانند افزایش تعرفه در حال کنترل است.

برای مثال، انگلیس در سال گذشته رکورد تولید برق از باد و سایر منابع سبز را ثبت کرد اما این منابع محدودیت دارند. انرژی تجدیدپذیر نمی‌تواند خانه‌هایی که از دیگ‌های بخار گازی استفاده می‌کنند را گرم کند و نمی‌تواند گرمای مورد نیاز فرایند‌های صنعتی را تأمین کند. بر این اساس کمبود انرژی گاز در اروپا تأثیر قابل توجهی بر صنایع مختلف داشته است و به عنوان نمونه تولید مواد شیمیایی در انگلیس بیش از یک سوم و تولید صنعتی انرژی‌بر در آلمان نیز از زمان جنگ روسیه و اوکراین ۴۰درصد کاهش یافته است.

اگرچه تا پایان سال گذشته، تنها دو مسیر از چهار مسیر اصلی انتقال گاز روسیه به اروپا فعال باقی مانده بود، به تازگی و با بسته شدن مسیر انتقال گاز روسیه از خاک اوکراین میزان صادرات گاز روسیه به اروپا بازم کم‌تر شده است. در این گزارش اشاره شده است که اگرچه میزان گاز از دست رفته ۴درصد از کل تأمین اروپا در سال ۲۰۲۴ را تشکیل می‌دهد اما این کاهش فشار بیشتری بر بازار وارد خواهد کرد.

اقتصاد

سرویس اقتصادی۹۰۶۰۲۳۸۸۵

سیاست خارجی چین در نظم جهانی پساقطبی

دیپلماسی مشارکت و ساخت جامعه انسانی با سرنوشت



آنها بیشتر از ماهیت الزام آورشان است. مشارکت‌ها که در مقایسه با اتحاد‌های سنتی، انعطاف‌پذیر تر و منافع محور هستند، به چین قدرت مانور بیشتر در مواجهه با بحران‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی می‌دهد. در حالی که اتحادها، چین را مجبور به انتخاب میان یک طرف می‌کند، مشارکت‌ها به پکن این امکان را می‌دهند که با حفظ انعطاف‌پذیری، نقش «دوست همه» را ایفا کند. دوم، با توجه به این نکته که مشارکت‌های راهبردی بیشتر «منفعت‌محور» هستند تا «تهدیدمحور»، می‌توان این نوع مشارکت را به‌عنوان تجلی تمایل طرفین برای پیگیری منافع و اهداف مشترک، بدون درگیر شدن در مسائل چالش‌زا و اختلاف‌برانگیز در نظر گرفت. مشارکت‌ها به عنوان تعهدی برای کنار گذاشتن اختلافات به منظور جست‌وجوی ظرفیت‌های همکاری نگر توسعه می‌شوند. بر این اساس، بر داشت مشترکی وجود دارد که دو کشور تلاش خواهند کرد، تا در وهله اول منازعات اجتناب‌ناپذیر را مدیریت کرده بتوانند در خصوص منافع مشترک، به گفت‌وگو و همکاری بپردازند.

سوم، برخلاف اتحادها، مشارکت‌ها بیشتر «فرایندمحور» هستند. به این معنا که اغلب به‌عنوان ابزار برای همکاری بین‌دولتی شکل می‌گیرند که هدف اصلی آن نیز «خود همکاری» است. مشارکت‌ها، چارچوبی ساختار یافته برای همکاری تدریجی و فراینده میان دولت‌ها را فراهم می‌کند که فراتر از تعاملات دیپلماتیک معمول است و زمینه را برای تبادل منظم میان نهادهای جنبه‌های کلیدی در این میان، ظرفیت مشارکت‌ها در کاهش عدم‌فعلیت‌ها نه‌تنها در محیط بین‌المللی، بلکه

همچنین در روابط میان شرکا در نظر گرفته می‌شود. چهارم، مشارکت از «قطبی سازی» بیش از پیش جامعه بین‌المللی پیش‌گیری می‌کند. بر اساس بیانیه‌های رسمی، همه کشورها در «نوع جدید مشارکت امنیتی» چین، از جمله کشورهایی که در حال حاضر متحدان امنیتی یا شرکای راهبردی ایالات متحده هستند، مورد استقبال قرار می‌گیرند. به‌طور مشخص، برخی کشورهایی که روابط سنتی با ایالات متحده و متحدانش دارند، ممکن است در همکاری‌های امنیتی خود دچار نوعی «ایهام فراینده» شده و با انتکراهای پکن همراه شده و به‌تدریج به «حلقه دوستان» آن در آیند. به‌طور کلی در رویکرد امنیتی چین، ابهام نه‌تنها عامل چالش‌زایی نبوده، بلکه عاملی مطلوب و کارآمد در نظر گرفته می‌شود. در سوسی مقابل ایهام به یک چالش فراینده برای ایالات متحده و نظم هژمونیک آن تبدیل شده است.

پنجم، مشارکت‌ها «غیرایدئولوژیک» بوده و می‌توانند «نظام‌های سیاسی متنوع» را دربرگیرند. چین به دنبال ایجاد روابط نزدیک‌تر با کشورهای مهم در حال توسعه است. این رویکرد با هدف تسهیل همکاری‌های آینده در حوزه‌های مشخصی صورت می‌پذیرد که این دولت‌ها با دیدگاه‌های چین در خصوص هنجارها و چشم‌انداز‌های بنیادین نظم جهانی همسو هستند. طراحی مشارکت‌ها به‌عنوان قابلی منعطف از همگرایی می‌تواند رفتارهای تعاملی میان دولت‌ها با ایدئولوژی‌های سیاسی داخلی متفاوت را تسهیل کند زیرا مشارکت‌ها به ایجاد منافع مشترک کمک می‌کنند، بدون اینکه به تعهدات الزام‌آور هنجاری از سوی طرفین نیاز داشته باشند.

■ جمع بندی

دیپلماسی مشارکت از این دیدگاه نشئت می‌گیرد که دیپلماسی مبتنی بر اتحاد‌های سنتی دیگر با شرایط زمانی‌جهانی همخوانی ندارد. در طول دهه‌های اخیر، پکن از ایجاد اتحاد‌های رسمی اجتناب کرده و به‌جای آن، مشارکت‌های انعطاف‌پذیر را ترجیح می‌دهد. مشارکت این امکان را برای چین فراهم می‌کند تا همکاری‌های بین‌المللی را بدون درگیر شدن در تعهدات سیاسی پیچیده توسعه دهد. به عبارتی اتحاد‌های سنتی بیش از حد الزام‌آور، فاقد انعطاف‌پذیری و متعلق به منطق «بازی با حاصل جمع صفر» است. به همین دلیل، پکن به‌طور کلی اتحاد‌های رسمی را گزین‌های مناسب برای سیاست خارجی خود، چه در حال حاضر و چه در آینده نمی‌بیند. لذا می‌توان پیش‌بینی کرد که در کوتاه‌مدت با بلندمدت، پکن برنامه‌ای برای امضای پیمان اتحاد رسمی با هیچ کشوری نخواهد داشت. در حالی که ایالات متحده در تلاش بوده تا ذهنیت جنگ سرد را مجدداً بر نظام بین‌الملل تعمیل کرده و از این طریق به بازآرایی متحدان اروپایی و آسیایی خود بپردازد، پکن تلاش کرده بر اساس روایت جدید خود، دیپلماسی مشارکتی را در پیش گیرد. در مسیر ساخت جامعه بشری با آینده مشترک، گسترش شبکه شرکا که راهبرد بلندمدت و نه صرفاً یک راه‌حل موقتی از سوی چین خواهد بود، در سیستم اتحاد‌ها، تنها دشمن دشمن یک کشور می‌تواند دوست آن باشد، اما در شبکه مشارکت‌ها، حتی دوست دشمن یک کشور نیز می‌تواند دوست آن باشد.

■ پژوهشگر و دانشجوی دکتری روابط بین الملل، مؤسسه مطالعات خاورمیانه، دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای

روش‌هایی مانند کاهش تولیدات صنعتی، تمرکز روی انرژی‌های تجدیدپذیر و افزایش تعرفه برق مشترکان مدیریت کرده‌اند و برای بهبود شرایط در سال‌های آینده به تحولات سیاسی و روابط قدرت‌های جهانی چشم دوخته‌اند. علاوه بر کشورهای اروپایی برخی دیگر از کشورها همانند عراق نیز بر نامه‌هایی برای جبران کمبود گاز هستند که استفاده از الگوی آنها برای ایران نیز در جبران کمبود گاز و تحقق رشد اقتصادی مؤثر است.

وزیر نفت عراق به تازگی اعلام کرد، وزارتخانه متبوعش برنامه‌های بلندپروازانه‌ای را در زمینه گاز و سایر فراورده‌های نفتی اجرا کرده است که در چارچوب تولید پایتگاه‌ها قرار دارند و توجه ویژه‌ای به شبکه ملی گاز شده زیرا این سوخت برای راه‌اندازی نیروگاه‌های برق ضروری است. حیان عبدالغنی افزود، وزارت نفت برنامه‌ای را برای سال‌های آینده تدوین کرده است که شامل فعالیت‌های مهمی برای بهره‌برداری و افزایش میزان گاز تولیدی خواهد شد. وی گفت: عراق در حال حاضر گاز را از ایران کشور همسایه خود وارد می‌کند که هزینه زیادی برای دولت دارد و همیشگی نیز نیست. وزیر نفت عراق گفت: شرکت گاز بصره که یک شرکت مشترک بین گاز جنوب، شرکت شل و شرکت میتسوبیشی است، دو کارخانه «جی ال» شماره یک و دو را ساخته است که هم‌زمان با تکمیل کارخانه گاز به شبکه ملی اضافه شود. با بهره‌برداری از این دو کارخانه، بیش از ۱۴۰ میلیون فوت مکعب گاز به شبکه ملی تزریق خواهد شد و افزون بر آن از تولید مایعات گازی حاصل از این فرایند نیز استفاده خواهد شد.